

جرم‌انگاری تهاجمی فرانسه در جرائم تروریستی

سعید محمود مجیدی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی دامغان

تاریخ دریافت: ۸۶/۰۲/۰۵

تاریخ تایید: ۸۶/۰۷/۲۰

چکیده

استراتژی عقب‌نشینی حقوق کیفری، حاصل جنبشی بود که از سال ۱۹۷۵ در کشورهای اروپایی به وجود آمد. مهم‌ترین ثمره این جنبش، جرم‌زدایی از اعمالی شد که تا آن زمان وصف مجرمانه داشتند. از این‌رو جرم‌زدایی به همراه دو راهکار دیگر - قضا‌زدایی و کیفرزدایی - مهم‌ترین سیاست کیفری کشورهای اروپایی برای تبعیت از استراتژی مذکور بوده است. با این همه سیاست کیفری مذکور کلیت و عمومیت نسبت به همه جرائم نداشته است. جرائم تروریستی از جمله جرائمی است که دامنه جرم‌انگاری آن در دهه‌های اخیر در فرانسه و نیز در سایر کشورهای اروپایی، توسعه قابل ملاحظه‌ای یافته است. در این نوشتار با تکیه بر متون قانونی فرانسه سعی گردیده، وجود چنین جرم‌انگاری تهاجمی نسبت به جرائم تروریستی در فرانسه به اثبات برسد.

واژگان کلیدی: تروریسم، تروریسم زیست محیطی، تروریسم ناشی از جرائم عمری، جرم‌انگاری‌های نوین، حقوق کیفری امنیت‌مدار.

مقدمه

تروریسم با آن که مصیبت قرن اخیر نام گرفته است، نباید آن را پدیده‌ای تازه و بدیع دانست. حوادث تاریخی متعددی که در طول تاریخ در این زمینه به وقوع پیوسته، به طور کامل ثبت شده است. در عین حال از پایان سال‌های ۱۹۶۰، حوادث تروریستی به عنوان یک نگرانی جدید و استثنایی مطرح گردیده است. خشونت‌هایی که در اعمال تروریستی نهفته است به انگیزه‌های مختلفی انجام می‌شود. گاهی به نام اصول ایدئولوژیک ممکن است این اقدامات حالت مقدسی نیز به خود بگیرد. اعمال مزبور ممکن است توسط سازمان‌های مسلح مستقل و یا گروه‌هایی که در تباری با کشورهای دیگر بوده‌اند، بروز پیدا کند. همچنین از نگاهی دیگر، اعمال تروریستی در شکل و محتوا نیز در حال تحول می‌باشد. از این‌رو ممکن است اعمال مزبور تنها از طریق روش‌های سنتی به مانند انفجار محقق نشده و مرتکبین این اعمال برای رسیدن به مقاصد خود از وسایلی استفاده نمایند که دارای خشونت کمتری است لیکن ترس و ارباب عمومی بیشتری ایجاد نماید. در این زمینه می‌توان به انتشار میکروبی خاص در سطح جامعه اشاره نمود که می‌تواند ترس و ارباب

عمومی بیشتری نسبت به یک انفجار و بمب‌گذاری پدید آورد. با توجه به تنوع اشکال تروریسم، لازم است قانون‌گذار برای مبارزه با اعمال تروریستی مقررات خود را در طول زمان تکامل ببخشد. چنان که قانون جزای فرانسه به دنبال حمله به چاه‌های نفتی کویت توسط عراق، به جرم‌انگاری تروریسم زیست محیطی در ماده ۲-۴۲۱ اقدام نمود (Leclerc, 1994:238).

رنج‌های انسانی به همراه خسارت‌های اقتصادی و فرهنگی که از اعمال تروریستی ناشی گردید، در ابتدا جوامع دموکراتیک غربی را به این نتیجه رساند که از طریق تصویب قوانین لازم باید با این پدیده جدید جداگانه به مبارزه پرداخت. فرانسه نیز به مانند سایر کشورهای اروپایی تحت تأثیر افزایش اعمال تروریستی، مبارزه خود را با فراهم نمودن مقررات سخت‌گیرانه آغاز کرد. سیاست کیفری فرانسه در مقابله با اعمال تروریستی را می‌توان دارای مراحل و ویژگی‌های مختلف دانست. به نظر می‌رسد وضعیت جرائم تروریستی در حقوق کیفری فرانسه در سه مرحله قابل ارزیابی است: مرحله نخست مربوط به دورانی است که سیاست کیفری فرانسه در قبال این اعمال مبتنی بر سیاست مدارا و وفق بوده است. اعمال تروریستی در این دوران ناشناخته بود و چندان به آن توجه نمی‌شد. بر همین اساس در بررسی مقررات ماهوی و شکلی این دوران، سیاست کیفری سخت‌گیرانه‌ای مشاهده نمی‌گردد (Pradel et Danti-Juan, 1994:1193).

مرحله دوم شامل دورانی است که قانون‌گذار به دلیل افزایش سریع اعمال تروریستی، ضرورت وجود یک سیاست جنایی تقنینی سنجیده را در این زمینه احساس نموده است. افزایش اعمال تروریستی در فرانسه زمانی رخ داد که یک بحث سیاسی پرهیاهو در زمینه تصویب قانون ۴ اوت ۱۹۸۱ در ارتباط با حذف دیوان امنیت^۱ دولت مطرح گردید. به دلیل مخالفت‌هایی که در آن سال‌ها وجود داشت مرجع قضایی مزبور حذف گردید لیکن نسبت به حل مشکلات و نارسایی‌هایی که به دلیل حذف این مرجع قضایی رخ داد، راهکاری قوی اندیشیده نشد. در همین سال‌ها بود که تروریست‌ها اقدامات خود را افزایش دادند به طوری که در طول سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲، تعداد اعمال تروریستی از ۶۶۵ مورد به ۱۲۷۰ مورد افزایش یافت و قربانیان اعمال تروریستی نیز از ۶۵ نفر به ۳۱۱ نفر رسید. این در حالی بود که فعالیت‌های انتخاباتی مارس ۱۹۸۶ نیز در پیش بود؛ فعالیت‌هایی که اکثریت مجلس را در آن زمان دچار تغییر کرد. بنابراین در زمانی که هیاهوی

۱- La Cour de sûreté de l'État. مرجع قضایی کیفری که با تصویب قانون ۱۵ ژانویه ۱۹۶۲ در فرانسه به وجود آمد و صلاحیت آن محدود به زمان صلح و دامنه رسیدگی آن شامل جرایم عمومی است که به هدف تغییر نظام سیاسی در فرانسه ارتکاب می‌یافته است. این مرجع قضایی به دلیل آن که به تدریج به یک دادگاه اختصاصی افراطی تبدیل گردید به وسیله قانون ۴ اوت ۱۹۸۱ حذف گردید و از این تاریخ، رسیدگی به جرایم فوق‌الذکر در زمان صلح به دادگاه‌های عمومی واگذار شد و در زمان جنگ همانند گذشته در صلاحیت دادگاه‌های نظامی قرار گرفت (Jean-Pierre Marguénaud, 1990:2).

بحث‌های سیاسی و انتخاباتی به اوج خود رسید، اعمال تروریستی نیز افزایش بی‌سابقه‌ای یافت. این افزایش قانون‌گذار را بر آن داشت تا با تدوین مقررات سخت‌گیرانه^۱ به مقابله با این طغیان اعمال تروریستی بپردازد. به همین دلیل قانون ۱۰۲۰-۸۶ در ۹ سپتامبر ۱۹۸۶ در این زمینه به تصویب رسید؛ قانونی که سبب شد تا ماده ۱۶-۷۰۶ به قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه اضافه گردد. این قانون اگرچه حاوی مقررات دادرسی سخت‌گیرانه‌ای نسبت به جرائم عمومی بود، ابهاماتی در خود به همراه داشت که مدت‌ها اذهان حقوق‌دانان را به خود مشغول ساخت.

(Véron, 1998, :268) به فاصله کمتر از یک سال به دلیل امضای کنوانسیون استراسبورگ توسط فرانسه در ۲۷ ژانویه ۱۹۹۷، قانون شماره ۵۴۱-۸۷ مورخ ۱۹۸۷ نشان داد که فرانسه نیز به این معاهده منطقه‌ای پیوسته است. این کنوانسیون که به خاطر ایجاد همکاری بیشتر بین کشورهای عضو شورای اروپایی در راستای مبارزه با اعمال تروریستی به وجود آمد، صلاحیت محاکم فرانسه را به جرائم تروریستی ارتكابی در خارج از سرزمین فرانسه نیز توسعه داد (Mayaud, 1997: 87).

مرحله سوم شامل مرحله‌ای است که مبتنی بر اقدامات نوآورانه قانون جزای فرانسه می‌باشد. از جمله این نوآوری‌ها، ارائه تعریف از جرائم تروریستی و وارد نمودن عنوان مجرمانه جرائم تروریستی در قانون جزای فرانسه بود. بر اساس این تعریف، قانون‌گذار فرانسه در ماده ۱-۴۲۱، اقدام عمدی فردی و یا گروهی را که هدف آن اختلال در نظم عمومی از طریق ارباب و یا ترور باشد، عمل تروریستی دانسته است.^۲ اگرچه این تعریف برگرفته از همان تعریف ارائه شده در قانون ۹ سپتامبر ۱۹۸۶ می‌باشد، لیکن در سال ۱۹۹۲ برای نخستین بار، عنوان جرائم تروریستی در قانون جزای فرانسه مطرح گردید. (Bouloc et Mayaud, 1996: 664). علاوه بر این در قانون جزای فرانسه در کنار مطرح شدن جرائم تروریستی ناشی از جرائم عمومی به مانند گذشته - البته به همراه تغییرات شکلی و ماهوی متعدد - قانون‌گذار جرم تروریستی زیست محیطی را به صورت یک جرم مستقل مطرح نمود. راهی که قانون جزای جدید فرانسه در استقلال بخشیدن به جرائم تروریستی آغاز نمود، در سال‌های بعدی نیز ادامه و گسترش یافت. دلیل مهم این اقدام، افزایش سهمگین اعمال تروریستی در طول سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ است. افزایش اعمال تروریستی به

۱- بر اساس این سیاست سخت‌گیرانه، رسیدگی به جرائم تروریستی بر خلاف قاعده صلاحیت محلی در پاریس متمرکز شده است (۱۶-۷۰۶). بازرسی‌های مربوط به احتمال وقوع جرائم تروریستی بدون رضایت طرف مقابل و در طول شبانه‌روز امکان‌پذیر شده است (ماده ۲۴-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری) و مدت مرور زمان برای اسقاط جنبه عمومی جنایات و جنبه‌های تروریستی نیز به ترتیب تاسی و بیست سال افزایش یافته است (ماده ۱-۲۵-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری).

2- N.C.P. art 421-1: "Constituent des actes de terrorisme, lorsqu'elles sont intentionnellement en relation avec une entreprise individuelle ou collective ayant pour but de troubler gravement l'ordre public par l'intimidation ou la terreur."

۳- مقصود عنوان دوم از کتاب چهارم قانون کیفری ۱۹۹۲ (DU TERRORISME) فرانسه می‌باشد.

خصوص حادثه تروریستی که در ایستگاه «سن میشل»^۱ و «پورت رویال» در پاریس رخ داده، آثار وحشت زیادی را در فرانسه به وجود آورد (Desportes et Le Gunehec, 2002:29). از این رو قانونگذار از سال ۱۹۹۶ تاکنون، در جهت مبارزه مؤثر با اعمال تروریستی، دو کار عمده انجام داده است: افزایش مکرر مجازات‌های اعمال تروریستی به همراه توسعه جرم‌انگاری جرائم تروریستی از طریق جرم‌انگاری‌های جدید، از عمده راهکارهای مهم سیاست کیفری فرانسه در این رابطه بوده است.

با توجه به آن چه ذکر شد می‌توان مختصات سیاست کیفری فرانسه در زمینه جرائم تروریستی را نیز به دست آورد. نخستین مشخصه سیاست کیفری فرانسه در این زمینه، تأثیرپذیری توأمان سیاست جنایی تقنینی فرانسه از منابع ملی و فراملی می‌باشد. از این رو در کنار تلاش‌هایی که قانونگذار برای تدوین مقررات در زمینه مقابله با اعمال تروریستی انجام داده، سیاست کیفری این کشور از کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در این زمینه نیز متأثر بوده است. چنان که پیش از این بیان شد، کنوانسیون^۲ ۲۷ ژانویه ۱۹۹۷، از جمله معاهدات منطقه‌ای می‌باشد که فرانسه در سال ۱۹۸۷ به آن ملحق گردیده است. قانون ۱۶ ژوئیه ۱۹۸۷، که در راستای اجرای مفاد این کنوانسیون به تصویب رسید، سبب شد تا ماده ۳-۶۸۹ نیز به مقررات آیین دادرسی کیفری فرانسه اضافه گردد (Marguénaud, 1990: 14).

از مختصات دیگر سیاست کیفری فرانسه در این زمینه استفاده از طرح و برنامه قبلی جهت فراهم نمودن زمینه مبارزه با اعمال تروریستی است. مثال در این زمینه می‌تواند قانون شماره ۷۳-۹۵ مورخ ۲۱ ژانویه ۱۹۹۵ درباره جهت دهی لازم به برنامه‌های ناظر بر امنیت باشد. به همین دلیل اولویت‌های اصلی پلیس ملی در این زمینه، کنترل و مراقبت بیشتر نسبت به روابط بیگانگان مناطق حاشیه شهرها و نیز همکاری بیشتر در مبادله اطلاعات با کشورهای دیگر اروپایی به جهت آمادگی برای مقابله با اعمال تروریستی احتمالی بوده است.

ویژگی سوم سیاست کیفری فرانسه در این زمینه آن است که قانونگذار سعی نموده تا به تدریج سیاست‌های مورد نظر خود در زمینه سرکوبی اعمال تروریستی و تقلیل تضمینات دادرسی

۱- در اکتبر ۱۹۹۵ به دنبال بمب‌گذاری در ایستگاه سن میشل شهر پاریس، هشت نفر کشته و بیش از یکصد تن کشته شدند. این حادثه سرآغاز تمام حوادث تروریستی شد که تا ژوئیه ۱۹۹۶ در فرانسه ادامه یافت و مردم فرانسه را در ترس شدیدی فرو برد. (http://www.rfi.fr/actufn/articles/067/article_37680.asp)

۲- کنوانسیون ۲۷ ژانویه ۱۹۷۷ استراسبورگ در ارتباط با سرکوبی اعمال تروریستی و به جهت همکاری بیشتر بین کشورهای شورای اروپا به وجود آمد. کشور فرانسه نیز طی قانون شماره ۵۴۱-۸۷ در سال ۱۹۸۷ به این کنوانسیون ملحق شده است. از این رو ماده ۳-۶۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در مقام اجرای کنوانسیون استراسبورگ، تعدادی از جرائم شدید علیه افرادی را که از حمایت بین‌المللی برخوردارند - به مانند مأمورین دیپلماتیک - مطرح نموده است. علاوه بر این، ماده فوق، هر جنایت و جنه‌ای را که در ارتباط با یک اقدام فردی و یا گروهی به هدف برهم زدن امنیت از طریق ایجاد وحشت و ترور ارتکاب یافته باشد، اقدام تروریستی تلقی نموده است. البته به شرط آن که ارتکاب این جنایت و جنه از طریق استفاده از بمب، نارنجک، مین، اسلحه گرم، نامه، بسته و یا هر وسیله دیگر باشد که برای طرف مقابل خطری را به همراه دارد.

جرائم تروریستی و نیز خسارت‌زدایی از قربانیان این جرائم را به صورت قانون تدوین نماید (Mayaud, 1997:2). از این رو در زمینه جرائم تروریستی در حقوق فرانسه سه نوع قانون وجود دارد: قانون کیفری که از ماده ۱-۴۲۱ مباحث ماهوی مربوط به تروریسم را آغاز می‌کند و پانزده ماده قانونی را به این بزه اختصاص داده است. قانون آیین دادرسی کیفری که در مواد ۱۶-۷۰۶ به بعد، قانون‌گذار ویژگی‌های دادرسی متفاوت این جرائم را بیان نموده است. قانون سوم نیز قانون بیمه. در ارتباط با جبران خسارت اعمال تروریستی می‌باشد که قانون‌گذار در مواد ۱-۱۲۶ به بعد این قانون به آن پرداخته است.

سیاست کیفری فرانسه در زمینه جرائم تروریستی زمانی به دست می‌آید که قوانین متعدد موجود در این راستا دقیق بررسی شود. به همین دلیل ابتدا نقطه آغازین ورود مفهوم جرائم تروریستی در حقوق کیفری فرانسه یعنی قانون ۹ سپتامبر ۱۹۸۶ بررسی می‌شود. سپس وضعیت جرائم تروریستی را در قانون جزای ۱۹۹۲ فرانسه مطالعه می‌کنیم. و در پایان جرم‌انگاری‌های جدیدی که از سال ۱۹۹۶ تا کنون در حقوق کیفری فرانسه، وارد شده و توانسته است محدوده جرم‌انگاری جرائم تروریستی را گسترش قابل ملاحظه‌ای بدهد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تحلیل جرائم تروریستی در قانون ۱۹۸۶

شاید در گذشته این اندیشه وجود داشت که اعمال تروریستی و نتایج غم‌انگیز آن، تنها برای بزه دیدگان بی‌گناه ادوار گذشته بوده است. لیکن متأسفانه امروزه نمی‌توان چنین اندیشه‌ای را در ذهن پروراند. موج اعمال تروریستی پی‌درپی و دوره‌ای، وجود یک تهدید دائمی، خطرناک را برای بشر یادآوری می‌کند (Véron, 1998:270). برای مبارزه با این تهدید دائمی، سیاست کیفری فرانسه مراحل مختلفی را گذرانده است. اگرچه اصطلاح تروریسم در حقوق فرانسه به صورت پراکنده، در برخی از قوانین مانند ماده ۲۴ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ در مورد آزادی مطبوعات وجود داشت لیکن مهم‌ترین تلاش‌ها در این زمینه، در طول سال‌های ۱۹۸۶ به بعد صورت گرفته است (Mayaud, 1997:1). زمانی که دولت وقت فرانسه در تاریخ ۱۹ آوریل ۱۹۸۶ سیاست عمومی خود را بیان می‌نمود، از جمله ایده‌هایش در زمینه مقابله با اعمال تروریستی، ایجاد یک جرم‌انگاری مستقل در قانون جزای فرانسه بود؛ ایده‌ای که از جهات مختلف دارای طرفداران بی‌شماری بود. از یک طرف به جهت گسترش اعمال تروریستی در فرانسه، همگان به ایجاد یک عنوان مجرمانه جدید، رضایت کامل داشتند و از طرف دیگر به جهت عملی و کاربردی نیز سایر کشورهای اروپایی به مانند ایتالیا و آلمان، دارای تجربه‌های موفق‌تری در زمینه خلق و

ایجاد عنوان جرم تروریسم به شمار می‌آیند. به‌رغم نکات یادشده، دولت در آن زمان به دلیل وجود مشکلات متعدد در این زمینه، از جمله عدم وجود تعریف واحد - که همواره در فرانسه دست نیافتنی تلقی می‌گردید - و نیز غیرمنطقی دانستن تعیین مجازات یکسان برای اعمال مختلف تروریستی - از عملی نمودن ایده خود در این زمینه منصرف گردید. علاوه بر این، استدلال دیگری نیز که در این زمینه، همواره توسط مخالفان جرم‌انگاری مستقل جرائم تروریستی به آن استناد می‌شد آن بود که در زرادخانه کیفری فرانسه عناوین متعدد کافی وجود دارد که می‌توان با توجه به آن عناوین، اعمال تروریستی را مورد مجازات کیفری قرار داد (Marguéaud, 1997:3). با توجه به مشکلاتی که در این زمینه وجود داشت قانون‌گذار دو راه جداگانه را در پیش روی خود داشت: نخست آن که از هر نوع قانون‌گذاری در این زمینه تا زمانی که مشکلات مزبور مرتفع گردد خودداری نماید. این راهکار با توجه به افزایش اعمال تروریستی برای افکار عمومی غیرقابل تحمل می‌نمود. راهکار دوم آن بود که برخی از جرائمی را که تاکنون نیز در قانون جزای فرانسه وجود داشت، قانون‌گذار احصا نموده و آن‌ها را مشمول قواعد شدیدتری نماید. راهکار دوم روشی بود که قانون ۹ سپتامبر ۱۹۸۶ برگزید (Pradel, 1987: 40). بنابراین با توجه به مطالب فوق باید به این نتیجه رسید که قانون ۱۹۸۶، جرم‌انگاری ویژه‌ای به نام جرائم تروریستی را به مجموعه عناوین مجرمانه موجود، اضافه نکرده است بلکه آن دسته از جرائم شدیدی که توانایی ایجاد تشویش اذهان عمومی را دارا بوده‌اند، به وسیله این قانون مشمول قواعد دادرسی شدیدتری قرار گرفته‌اند.

برخی از نویسندگان، آرای متعددی از شعبه‌های دیوان فرانسه در این زمینه ذکر نموده‌اند که بر عدم ایجاد عنوان مجرمانه مستقل به وسیله قانون مزبور تأکید دارند (Pradel et Danti-Juan, 1994:761). این اقدام مهمی بود که تنها قانون جزای جدید ۱۹۹۲ فرانسه با ایجاد تغییرات متعدد شکلی و ماهوی توانست آن را به نتیجه عملی برساند (Larguier et Larguier, 1994: 264).

در هر حال قانون ۹ سپتامبر ۱۹۸۶ موجب شد تا ماده ۱۶-۷۰۶ به قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه اضافه گردد. ماده مزبور فهرست متعددی از جرائم را بیان نموده که قبلاً نیز در قوانین جزایی فرانسه وجود داشت. ماده ۱۶-۷۰۶ توانسته است جرائم مزبور را از دادرسی عمومی خارج نموده و آن‌ها را مشمول دادرسی سخت‌گیرانه‌ای نماید که در مواد متعدد ۱۶-۷۰۶ تا ۲۵-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه پیش بینی شده است. البته جرائم فهرست شده در ماده فوق زمانی مشمول مقررات یاد شده خواهند گردید که در ارتباط با یک طرح هماهنگ (اقدام) فردی و یا گروهی و به هدف اختلال شدید در نظم عمومی از طریق ارباب و ترور ارتکاب یابند.

«ژان پرادل» جرائم مذکور در ماده ۱۶-۷۰۶ را در قالب تقسیم‌بندی ذیل مطرح نموده است:

الف - گروهی از جرائم خشونت‌آمیزی که علیه افراد ارتکاب می‌یابند، مانند: قتل عمدی که شامل قتل عمدی ساده و قتل عمدی باسبق تصمیم می‌باشد و در مقررات جزایی سابق فرانسه در مواد قانونی ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۰۱، ۳۰۲ و ۳۰۴ ذکر گردیده بود؛ اعمال خشونت‌آمیزی که منجر به قطع عضو و یا معلولیت و یا مرگ بدون قصد ایجاد نتیجه آن می‌گردد که احکام آن در مقررات سابق جزای فرانسه در مواد ۳۱۰ و ۳۱۱ پیش‌بینی شده بود؛ اعمال خشونت‌آمیزی که علیه اطفال پانزده ساله صورت می‌گیرد، در صورتی که همیشگی باشد و یا منجر به قطع عضو و یا معلولیت گردد که ماده ۳۱۲ قانون جزای سابق فرانسه به آن پرداخته بود؛ آدم ربایی، توقیف غیر قانونی و نیز گروگان‌گیری که در مواد ۳۴۱ تا ۳۴۴ قانون سابق جزای فرانسه مطرح گردیده بود؛ ربودن طفل به همراه به کار بردن حيله و یا خشونت (مواد ۳۴۵ و ۳۵۵) و نیز هواپیماربابی که ماده ۴۶۲ قانون جزای سابق، رکن قانونی آن محسوب می‌گردید.

ب - گروهی از جرائم علیه اموال که در ماده ۱۶-۷۰۶ آمده است و به دلیل خطراتی که برای انسان به همراه دارند، می‌توانند تهدیداتی عمومی محسوب گردند، مانند: تخریب آثار جاویدان و یا اشیای مفید برای عموم از طریق مواد انفجاری و احتراقی مذکور در ماده ۳-۲۵۷ قانون جزای پیشین؛ تخریب از طریق هتک حرز و یا ایجاد خسارت به قاضی، هیأت منصفه، وکیل و شاهد و یا از طریق مواد انفجاری و احتراقی که در بندهای ۲ و ۳ ماده ۴۳۴ و مواد ۴۳۵ تا ۴۵۷ قانون جزای سابق مطرح گردیده بود؛ سرقت‌های مشدده ارتکابی از طریق شکستن و یا به همراه تعدد مرتکبین و یا ارتکاب یافته در شب و یا به همراه خشونت که در مواد ۳۷۹ و ۳۸۲ قانون جزای سابق بیان شده بود؛ اخاذی که در ماده بند ۱ ماده ۴۰۰ همان قانون مطرح گردیده بود و نیز به کارگیری هرگونه وسیله در جهت خارج نمودن قطار از ریل و یا فراهم نمودن ایجاد تصادف با آن‌که در مواد ۱۶ و ۱۷ قانون ۱۸۴۵ در مورد پلیس راه‌ها ذکر شده بود.

ج - برخی از جرائمی که توسط ماده ۱۶-۷۰۶ مطرح شده‌اند و در زمره جرائم مانع می‌باشند. از این طریق قانون‌گذار بر آن بوده است تا با جرم‌انکاری رفتارهایی که زمینه ارتکاب جرائم شدیدتر را فراهم می‌نمایند، از وقوع جرائم اصلی پیشگیری نماید. مانند: بزه اجتماع تبهکاران مذکور در مواد ۲۶۵ و ۲۶۶ قانون کیفری سابق؛ ساخت و نگهداری ماشین و دستگاه‌های کشنده و انفجاری که در ماده ۳ قانون ۱۸۷۱ مطرح گردیده بود؛ تولید، خرید و فروش، صادر و وارد کردن مواد انفجاری که توسط ماده ۶ قانون ۳ ژوئیه ۱۹۷۰ تعیین شده است؛ تحصیل، نگهداری، نقل و انتقال و یا حمل غیر قانونی مواد انفجاری و یا دستگاه‌های ساخته شده براساس مواد مذکور در ماده ۳۸ قانون

۱۸ آوریل ۱۹۳۹، که نظام حاکم بر اسلحه و مواد منفجره را تعیین کرده است، و نیز جرائم پیش‌بینی شده به وسیله مواد ۱ و ۴ قانون ۱۹۳۹ که به ممنوعیت ساخت، نگهداری، انبار کردن، تحصیل و انتقال دادن اسلحه‌های زیستی و سمی اختصاص یافته است (Pradel, 1987:4).

ماده ۱۶-۷۰۶ دارای این امتیاز می‌باشد که به جهت تشریح جرائم تروریستی، همزمان از معیار عینی و ذهنی بهره گرفته است. با استفاده از معیار عینی قانون‌گذار فهرست بسیاری از جرائم را به صورت مشخص بیان نموده است و از طرف دیگر با بهره‌گیری از معیار ذهنی، جرائم مزبور را زمانی تروریستی می‌نامد که دارای هدف اخلاص شدید در نظم عمومی از طریق ارباب و ترور باشد.

۲. جرائم تروریستی در قانون جزای ۱۹۹۲

چنان که پیش از این اشاره شد، قانون جزایی ۱۹۹۲ فرانسه، ابتکارها و نوآوری‌های شکلی و ماهوی متعددی را در حقوق کیفری فرانسه به وجود آورده است. هم چنان که دیدگاه‌های مختلفی درباره‌ی میزان موفقیت قانون جزای ۱۹۹۴ به طور کلی وجود دارد، درباره‌ی عملکرد قانون‌گذار جدید در قلمرو جرائم تروریستی نیز چنین اختلافاتی مشاهده می‌شود. برخی از نویسندگان تحولات به وجود آمده در قانون جزای جدید را تحولاتی عمیق در زمینه‌ی وضعیت جرائم تروریستی در حقوق کیفری فرانسه ارزیابی نموده‌اند (Mayaud, 1997:6) و در مقابل برخی دیگر از حقوق‌دانان، تفاوت قانون جدید را با قانون ۹ سپتامبر ۱۹۸۶ بسیار ناچیز دانسته‌اند (Pradel et Danti-Juan, 1994:1762).

بدرغم اختلاف‌های یاد شده، به نظر می‌رسد می‌توان درباره‌ی تأثیرات قانون جزایی جدید فرانسه به نکات چندی اشاره نمود: نخست آن که در حقوق کیفری فرانسه، برای نخستین بار در قانون جزای ۱۹۹۲ بود که جرائم تروریستی با طبقه‌بندی جدید، در یک قانون ماهوی داخل گردید. از این رو قانون‌گذار مقررات ناظر بر جرائم تروریستی را در عنوان دوم از کتاب چهارم - به مانند لطمات علیه منافع اساسی ملت - به صورت جرائم ویژه مورد توجه قرار داده است. نکته‌ی دوم آن است که قانون‌گذار علاوه بر این که جرائم تروریستی را در قالب یک طبقه‌بندی جدید مطرح نموده، دو نوع مهم و عمده‌ی جرائم تروریستی را نیز در سال ۱۹۹۲ مطرح کرده است. این دو نوع عمده‌ی جرائم تروریستی که در سال‌های بعد تعداد آن‌ها افزایش یافت، شامل جرائم تروریستی ناشی از جرائم عمومی و نیز جرائم تروریستی زیست محیطی بود. اگرچه شالوده‌ی اصلی جرائم تروریستی ناشی از جرائم عمومی از قانون ۱۹۸۶ گرفته شد، لیکن تغییرات مهم شکلی نیز در آن اعمال گردید که شمول این جرائم را تا حدود زیادی افزایش داد.

علاوه بر این، قانون‌گذار در سال ۱۹۹۲ برای نخستین بار، شروع به اجرای طرحی نمود که ماهیت اصلی آن جرم‌انگاری جرائم تروریستی به صورت مستقل بود. به همین دلیل است که جرم‌انگاری جرائم زیست محیطی را همگان در زمره ابداعات قانون جزای جدید فرانسه دانسته و آن را مهم ارزیابی نموده‌اند (Pelletier et Perfetti, 2003:56). با توجه به اهمیت دو نوع یاد شده از جرائم تروریستی که قانون‌گذار در سال ۱۹۹۲ مطرح نموده، بررسی و مطالعه وضعیت جرائم تروریستی در قانون جزای جدید نیز با تکیه بر آن دو نوع انجام می‌شود.

۲-۱. جرائم تروریستی برگرفته از جرائم حقوق عمومی^۱

به جرائم تروریستی ناشی از جرائم حقوق عمومی، قانون‌گذار در ماده ۱-۴۲۱ قانون جزای فرانسه اشاره و به آن در بندهای جداگانه تصریح نموده است. موارد تصریح شده از آن جهت ناشی از جرائم عمومی نام گرفته که رکن مادی آن از جرائم حقوق عمومی وام گرفته شده است (Mayaud, 1997:8). البته چنان که در صدر ماده مزبور به آن اشاره شده است، ارتکاب اعمال فوق زمانی وصف تروریستی خواهند داشت که در ارتباط با یک طرح هماهنگ فردی یا جمعی بوده و به قصد ایجاد اختلال شدید در نظم عمومی از طریق ارعاب و ترور صورت گرفته باشند. دقت در ماده ۱-۴۲۱ قانون جزای فرانسه نشان می‌دهد که قانون‌گذار به‌رغم وجود ایرادهای حقوق دانان، اعتقاد جدی به ایجاد تغییر در تعریف خود در قانون ۱۹۸۶ نداشته است. از این‌روست که دوباره همان تعریف پیشین را در قانون جدید جزایی نیز مطرح نموده است.

به نظر می‌رسد قانون‌گذار در قانون جزای جدید بر این اعتقاد بوده که تعدادی از جنایات و جنحه‌هایی وجود دارند که به دلیل شرایط و اوضاع و احوالی که آنان را احاطه نموده، وصف تروریستی به خود می‌گیرند. به بیان دیگر، جرائم مذکور در ماده ۱-۴۲۱ که در قانون جزایی خود دارای وصف کیفری می‌باشند، با توجه به قرار گرفتن در یک ضابطه ذهنی - قصد ایجاد اختلال شدید در نظم عمومی از طریق ارعاب و ترور - وصف اولیه خود را از دست داده و وصف مستقل جدیدی را می‌گیرند که جرائم تروریستی نام دارد.

نکته مهمی که درباره جرائم تروریستی ناشی از جرائم حقوق عمومی - منطبق با ماده ۱-۴۲۱ قانون جزایی فرانسه - لازم به ذکر است آن که مباحثی که در این قسمت مطرح می‌شود تنها محدود به مواردی است که در قانون جزای ۱۹۹۲ فرانسه با این عنوان مورد اشاره قانون‌گذار قرار گرفته است. اصلاحات سال‌های بعدی اعمال شده در این ماده قانونی که موارد آن را توسعه دو چندان داد، به جداگانه در ادامه بررسی خواهد شد.

ماده ۱-۴۲۱ قانون جزای فرانسه، در مقام تبیین موارد جرائم تروریستی ناشی از جرائم حقوق عمومی، هم از قانون مجازات عمومی و هم از قوانین خاص متفرقه بهره گرفته است. در ارتباط با جرائم عمومی که قانون جزای فرانسه منبع آن بوده است، برخی مرتبط با جرائم علیه اشخاص و برخی دیگر مربوط به جرائم علیه اموال می‌باشند. این بدان معنا است که نسبت به جرائم علیه ملت، دولت و آسایش عمومی در قانون جزای ۱۹۹۲، مواردی در ماده ۱-۴۲۱ انتخاب نگردیده است. با اعمال موارد اصلاحی که در سال‌های بعد قانون‌گذار انجام داد، قسم سوم این نوع نیز به تدریج محقق گردید.

در زمینه جرائم علیه اشخاص قانون‌گذار مواردی از جرائم حقوق عمومی علیه حیات و تمامیت جسمانی افراد، آدم ربایی، توقیف غیرقانونی، هواپیما ربایی، ربودن ناو و یا هر وسیله نقلیه دیگر را ذکر نموده است. در ارتباط با جرائم علیه اموال نیز قانون‌گذار سرقت‌ها، اخاذی‌ها، تخریب‌های کلی و جزئی و نیز جرائم کامپیوتری را که در کتاب سوم قانون جزایی به آن اشاره شده، مطرح نموده است. در زمینه جرائم تروریستی ناشی از جرائم عمومی که از قانون کیفری موارد آن اقتباس شده، قانون‌گذار بر خلاف قانون ۹ سپتامبر ۱۹۸۶ - که به موارد قانونی ارجاع داده بود - در قانون جزای جدید به عناوین فصول و بخش‌ها استناد داده است. این تغییر سبب می‌شود تا دایره جرائم مورد استناد بر اساس ماده ۱-۴۲۱، توسعه بیشتری پیدا کند.

در ارتباط با قوانین خاص نیز قانون‌گذار به موارد متعددی از مقررات متفرقه ارجاع داده است. در ماده ۱-۴۲۱ قانون جزای فرانسه موارد زیر فهرست شده است: ساخت یا نگهداری ماشین یا دستگاه‌های کشنده و یا انفجاری که توسط ماده ۳ قانون ۱۹ ژوئن ۱۸۷۱ ممنوع اعلام شده است؛ ساخت، خرید و فروش، وارد و صادر کردن مواد انفجاری که توسط ماده ۶ قانون شماره ۵۷۵-۵۰ قانون ۳ ژوئیه ۱۹۷۰ ضوابط آن تعیین گردیده است؛ تحصیل، نگهداری، نقل و انتقال، حمل غیر قانونی مواد انفجاری و یا دستگاه‌های ساخته شده که به وسیله ماده ۳۸ قانون ۱۸ آوریل ۱۹۳۹، نظام اصلاحی آن مطرح شده است؛ نگهداری، حمل و نقل و انتقال اسلحه و مواد انفجاری بر اساس اولین و چهارمین طبقه‌بندی که توسط مواد ۳۱ و ۳۲ مصوبه هیأت وزیران ضوابط آن تعیین شده است و نیز جرائم پیش‌بینی شده در مواد ۱ و ۴ قانون شماره ۴۶۷-۷۲ به تاریخ ۹ ژوئن ۱۹۷۷ که ساخت، نگهداری، ذخیره‌سازی، تحصیل و انتقال اسلحه‌های بیولوژیکی و سمی را ممنوع اعلام نموده است.

بررسی تحولات تقنینی جرائم تروریستی در حقوق کیفری فرانسه از سال ۱۹۹۲ و پس از آن به روشنی نشانگر سیاست کیفری فرانسه در جهت گسترش موارد جرائم تروریستی ناشی از جرائم

عمومی می‌باشد. به همین دلیل قانون‌گذار در سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۱ بندهای مذکور در ذیل ماده ۱-۴۲۱ را به تدریج افزایش داده است. در سال ۱۹۹۶ بندهای ۳ و ۵ به مصادیق جرائم تروریستی بر مبنای ضابطه ماده ۱-۴۲۱ اضافه گردید. در بند سوم قانون‌گذار جرائم مربوط به گروه‌های مبارزه و حرکات شورشی را مطرح نموده است. جرائم مذکور را بر مبنایی که در مواد ۴۱۳-۴۳۱ تا ۱۷-۴۳۱ ممنوع شده می‌توان شامل چهار نوع جداگانه قلمداد نمود. شرکت در گروه‌های مبارزه^۱ (۱۴-۴۳۱)، شرکت در حفظ یا بازسازی گروه‌های مبارزه (۱۵-۴۳۱)، سازمان بخشیدن به گروه مبارزه (۱۶-۴۳۱) و سازمان‌دهی و حفظ گروه‌های مبارزه بر مبنای قانون دهم ژانویه ۱۹۳۶ (۱۷-۴۳۱) را می‌توان در این باره ذکر نمود. مصداق دیگری که قانون‌گذار در سال ۱۹۹۶ و در بند پنجم ماده ۱-۴۲۱ مطرح نمود، مخفی کردن محصول و نتیجه جرائم تروریستی ناشی از جرائم مذکور در بند اول و دوم بود. این نوع جرم‌انگاری، راهکاری مفید و مؤثر در راستای مبارزه با اعمال تروریستی، ارزیابی می‌شود. بدیهی است اعمال مزبور در اکثر موارد، با تکیه بر مساعدت سایر افرادی که به آن‌ها کمک می‌کنند و یا آن‌ها را از تعقیب مصون نگه می‌دارند، در عالم خارج ارتکاب می‌یابند.

در سال ۲۰۰۱ نیز قانون‌گذار بر مبنای قانون شماره ۱۰۶۲-۲۰۰۱، به تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۱ دو مورد دیگر را در بندهای ۶ و ۷ ماده ۱-۴۲۱ قانون جزای فرانسه مطرح نمود. در بند ششم قانون‌گذار به ارتکاب جرائم تطهیر پول‌های نامشروع - که در بخش چهارم از عنوان دوم کتاب سوم قانون جزایی مطرح گردیده - اشاره کرده و در بند هفتم نیز جنبه‌های مذکور در ماده ۱-۴۶۵ قانون پولی و مالی را مطرح کرده است.

در هر حال از مقایسه قانون جزای ۱۹۹۲ با قانون ۹ سپتامبر ۱۹۸۶، گسترش قلمرو جرم‌انگاری جرایم تروریستی قابل استنباط می‌باشد. قانون‌گذار علاوه بر این که به جای اشاره به مواد قانونی، به عناوین فصول و بخش‌های قانون اشاره نمود - که در نتیجه آن شمول موارد ماده ۱-۴۲۱ را افزایش قابل ملاحظه‌ای داده است - اعمال تروریستی را شامل بسیاری از جرائم با ماهیت جنبه‌ای نیز دانسته است. این در حالی است که در قانون ۱۹۸۶، اکثر جرائم مشمول عنوان مجرمانه تروریستی شامل جرائم از نوع جنایی بود.

مجازات‌های اصلی اعمال تروریستی مذکور در ماده ۱-۴۲۱ را قانون‌گذار در ماده ۳-۴۲۱

۱- با توجه به بیان قانون‌گذار فرانسه در مواد ۱۳-۴۱۳ و ۱۴-۴۱۳، گروه‌های ستیزه‌جو یا مبارزه به هر گروه دارای صلاحی اطلاق می‌شود که قابلیت تشکیل دادن یک سازمان دارای سلسله مراتب و یا سازمانی را که بتواند نظم عمومی را خدشه دار سازد، مهیا می‌سازد.

مطرح نموده است. بر اساس ماده اخیر که از زمان تصویب قانون جزای جدید تاکنون میزان آن هرگز تغییر ننموده، قانون‌گذار مجازات جرائم مورد نظر را بر مبنای مجازات اصلی آن اعمال افزایش داده است. از این‌رو در هفت بند جداگانه بیان نموده است که اگر مجازات جرم اصلی تا سی سال حبس جنایی باشد، مجازات آن در حالت تروریستی حبس ابد خواهد بود. در صورتی که مجازات جرم اصلی در حالت عادی تا بیست سال حبس جنایی باشد، در وضعیت جرائم تروریستی دارای تا سی سال حبس خواهد بود و اگر مجازات جرم مزبور تا پانزده سال حبس جنایی باشد، در حالت تروریستی تا بیست سال حبس جنایی افزایش می‌یابد. هم چنین در صورتی که مجازات قانونی جرم تا ده سال تعیین شده باشد، مجازات آن تبدیل به پانزده سال حبس خواهد گردید و در حالتی که مجازات آن تا هفت سال حبس جنحه‌ای باشد، مجازات آن تا ده سال حبس افزایش می‌یابد و اگر مجازات جرم اصلی تا پنج سال تعیین شده باشد، مجازات آن در وضعیت تروریستی تا هفت سال خواهد بود و در حالت دیگر اگر مجازات جرم اصلی تا سه سال و بیشتر باشد، مجازات آن در حالت تروریستی، به دو برابر افزایش می‌یابد.

علاوه بر مجازات‌های اصلی، قانون‌گذار اجازه اعمال مجازات‌های تکمیلی را نیز در ماده ۳-۴۲۲ به مجری قانون اعطا نموده است. اعمال این اختیار می‌تواند نسبت به برخی از جرائم بسیار تأثیرگذار و مفید ارزیابی شود. با توجه به قاعده‌ای که قانون‌گذار در ماده ۳-۴۲۱ برای افزایش مجازات‌های جرائم تروریستی ناشی از جرائم عمومی تعیین نموده، بسیار آشکار می‌باشد که قاعده مذکور به غیر از بند هفتم همان ماده قانونی، در موارد دیگر قابلیت اجرایی نخواهد داشت. برای مثال در جایی که عمل ارتكابی بر اساس قانون جزائی فرانسه، دارای مجازات حبس ابد باشد، مانند قتل عمدی با سبق تصمیم، در حالت تروریستی بودن عمل، هیچ‌گونه افزایشی شامل آن نخواهد شد. به همین دلیل قانون‌گذار بر مبنای ماده ۳-۴۲۲، اعمال افزایش مجازات را از طریق تعیین مجازات‌های تکمیلی فراهم نموده است (Pelletier et Perfetti, 2003:561).

۲-۲. تروریسم زیست محیطی^۱

ابتکار اصلی قانون جزای جدید ۱۹۹۲ فرانسه در زمینه جرائم تروریستی، پیش‌بینی جرم مستقلی به نام «تروریسم زیست محیطی» می‌باشد. این پیش‌بینی می‌تواند نکات مهمی را در زمینه سیاست کیفری فرانسه در ارتباط با جرائم تروریستی یادآوری نماید. نکته نخست آن که قانون‌گذار در ادامه سیاست حمایتی خود از منافع اساسی ملت فرانسه - در معنای ماده ۱-۴۱۰ که در کنار منافع

سیاسی و امنیتی، تأمین تعادل و آرامش در محیط زیست و اطراف آن را نیز از اجزای منافع^۱ اساسی ملت شناخته. تروریسم زیست محیطی را نیز جرم‌انگاری نموده است (Mayaud, 1997:24). دوم آن که قانون‌گذار به تغییر و تحول شکل و نوع اعمال تروریستی در طول زمان نیز توجه داشته است. به همین دلیل تروریسم زیست محیطی، در حقوق فرانسه زمانی وارد می‌شود که ارتش عراق اقدام به انفجار چاه‌های نفتی کویت می‌کند. نکته سوم نیز آن است که هرچند در حقوق فرانسه مقررات مختلفی درباره آلودگی هوا وجود داشته است، لیکن اقدام قانون‌گذار از این جهت تازه و بدیع ارزیابی می‌گردد که تاکنون یک جرم کلی که نویسندگان قانون جزایی بتوانند با استفاده از آن، جرم‌انگاری مستقلی را با عنوان جرائم تروریستی زیست محیطی ایجاد نمایند، هرگز وجود نداشته است.

در این باره قانون جزای جدید فرانسه در ماده ۲-۴۲۱ بیان می‌کند: «واردکردن عمدی ماده‌ای که سلامت انسان، حیوانات یا محیط طبیعی را به خطر می‌اندازد در هوا، زمین، زیرزمین، مواد غذایی یا عناصر مواد غذایی یا در آب‌ها از جمله قلمرو دریایی، در صورتی که در ارتباط با یک اقدام فردی یا جمعی و به هدف اختلال شدید در نظم عمومی از راه هراس افکنی یا ایجاد ترس صورت گیرد، نیز یک عمل تروریستی محسوب می‌گردد».^۲

رکن مادی این جرم، همان ایراد لطمات زیست محیطی وسیع می‌باشد که قانون‌گذار اقدامات خود را به قصد پیشگیری از تمامی ظواهر آن در قانون جزای جدید به کار بسته است. به همین دلیل است که هر عملی که به بهره‌گیری از مواد خطرناک، آسیب و خطری را نوعاً برای انسان‌ها، حیوانات و محیط طبیعی فراهم نماید، مشمول بیان قانون‌گذار خواهد شد. علاوه بر این باید توجه داشت که بزه مورد بحث از مصادیق جرم مطلق می‌باشد، به همین دلیل وجود خطرات بالقوه برای تحقق جرم مزبور کافی است و به وجود لطمات واقعی بر سلامت انسان، حیوان و یا تخریب‌های محسوس طبیعی نیازی نیست. اگر هم نتایج جرم رخ دهد می‌تواند در برخی از حالات، سبب تشدید مجازات شود. مانند موردی که عملی منجر به مرگ فرد و یا افرادی گردد که در این حالت بر اساس ماده ۴-۴۲۱ جرائم مزبور حالت مشدده پیدا نموده و ضمانت اجرای آن تشدید می‌شود (Mayaud, 1997:26).

۱- توضیح آن که قانون جزای ۱۹۹۲ فرانسه در ماده ۱-۴۱۰ و در مقام تدوین و تشریح منافع اساسی ملت مقرر داشته است: «منافع اساسی ملت به معنایی که در مقررات این عنوان به کار رفته، شامل حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، حفظ امنیت کشور، حفظ شکل تأسیسات جمهوری، حفظ وسایل دفاعی کشور، حفظ دیپلماسی کشور، حفظ و حمایت از افراد جامعه در داخل یا خارج، تأمین تعادل و آرامش در محیط زیست و اطراف آن و نیز حفظ حمایت از اصول اساسی توانایی ملت در امور علمی، اقتصادی و میراث فرهنگی می‌باشد.

2- N.C.P. art. 421-2 : Constitue également un acte de terrorisme, lorsqu'il est intentionnellement en relation avec une entreprise individuelle ou collective ayant pour but de troubler gravement l'ordre public par l'intimidation ou la terreur, le fait d'introduire dans l'atmosphère, sur le sol, dans le sous-sol, dans les aliments ou les composants alimentaires ou dans les eaux, y compris celles de la mer territoriale, une substance de nature à mettre en péril la santé de l'homme ou des animaux ou le milieu naturel.

برخلاف جرائم تروریستی ناشی از جرائم حقوق عمومی که مجازات آن در طی تحولات تقنینی افزایش نیافته بود، قانون‌گذار مجازات مرتکبین زیست محیطی را در اصلاحات بعد از سال ۱۹۹۲ افزایش قابل ملاحظه‌ای داده است. بر همین اساس ماده ۴-۴۲۱ که مجازات این بزه را در سال ۱۹۹۲ و در حالت عادی تا پانزده سال حبس جنایی عمومی به همراه تا ۲۲۵ هزار یورو جزای نقدی و در صورتی که عمل زیست محیطی منجر به مرگ فرد یا افرادی می‌گردید، مجازات آن را حبس ابد به همراه تا ۷۵۰ هزار یورو جزای نقدی مقرر کرده بود. در سال ۱۹۹۶ قانون‌گذار مجازات عمل مزبور در حالت عادی را تا بیست سال حبس جنایی عمومی به همراه تا ۳۵۰ هزار یورو جزای نقدی و در حالتی که مرگ فرد یا افرادی ناشی از آن عمل حاصل شود، مجازات آن را حبس ابد و تا ۷۵۰ هزار یورو تعیین کرد.

جرم‌انگاری جرائم زیست محیطی که اقدامی نوین از سوی مقنن در زمینه ایجاد نگاهی جدید به جرایم تروریستی ارزیابی می‌شود، آغاز راهی بوده که سال‌های بعد نیز قانون‌گذار آن را ادامه داده است. از این رو اقدامات قانون‌گذار در سال‌های بعدی را با عنوان جرم‌انگاری‌های نوین مطالعه می‌کنیم.

۳. جرم‌انگاری‌های نوین

قانون‌گذار در راستای سیاست کیفری خود مبنی بر توسعه جرم‌انگاری جرائم تروریستی و نیز افزایش مجازات جرائم مزبور در مقابله با افزایش اعمال تروریستی، از سال ۱۹۹۶ تاکنون، به جرم‌انگاری‌های جدیدی اقدام نموده است. ابتدا در سال ۱۹۹۶ تروریسم ناشی از اجتماع بزه‌کاران را که در قانون جزای ۱۹۹۲ پیش‌بینی نشده بود، در ماده ۱-۲-۴۲۱ مطرح نمود. علاوه بر این، پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، قانون‌گذار ضرورت مبارزه با افرادی را که در راستای ارتکاب اعمال تروریستی سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی می‌کنند احساس نمود و به همین دلیل به تهیه و تدوین ماده ۲-۲-۴۲۱ اقدام کرد. در سال ۲۰۰۳ نیز قانون‌گذار پا را فراتر از محدوده‌های پیشین نهاد و ضرورت برخورد با اعمال تروریستی را بر رعایت فرض برائت ترجیح داد و ایجاد اماره مجرمیت نمود. بر این اساس نسبت به عدم توجیه منابع مالی از سوی افرادی که با مجرمین تروریستی ارتباط مستمر داشته‌اند، ضمانت اجرای مشخصی را نیز تعیین نمود.

۳-۱. جرائم تروریستی ناشی از شرکت در اجتماع بزه‌کاران

بر اساس قانون شماره ۶۲۷-۹۶، ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۶ که مطابق آن قانون‌گذار ماده قانونی خاصی را به مقررات مرتبط با اعمال تروریستی در حقوق فرانسه اضافه نمود، همان تعریف پیشین به کار رفته در ماده ۱-۴۵۰ قانون جزای فرانسه، دوباره در قالب ماده ۱-۲-۴۲۱ تکرار گردید. در

این ماده قانونی آمده است: «شرکت در یک گروه متشکل و یا توافق صورت گرفته برای زمینه‌سازی ارتکاب یکی از اعمال تروریستی مذکور در موارد پیشین و به شرط آن که این هدف به وسیله ارتکاب یک یا چند عمل مادی خارجی ظهور پیدا نماید، عمل تروریستی محسوب می‌شود.»^۱

چنان که بیان شد قانون‌گذار همان بیان ماده ۱-۴۵۰ را در این جا تکرار نموده است. این اقدام قانون‌گذار سبب می‌شود تا جنبه شرکت در اجتماع بزهکاران از این پس و در قالب جدید خود تبدیل به جنایت شده و شروع به جرم آن نیز بر این اساس قابل مجازات گردد. علاوه بر این، قواعد دادرسی شدیدتری که در مواد ۱۶-۷۰۶ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری، درباره اعمال تروریستی مطرح گردیده است، می‌تواند شامل عمل ارتكابی مزبور نیز بشود (Pradel et Danti-Juan, 1994:763). مجازات تعیین شده در سال ۱۹۹۶ برای عمل ارتكابی فوق، تا ده سال حبس جنحه‌ای و تا یک میلیون و نیم فرانک جریمه نقدی بوده است. در سال ۲۰۰۱ نیز قانون‌گذار مجازات بزه مزبور را تا ده سال حبس جنحه‌ای و تا ۲۲۵ هزار یورو جزای نقدی تعیین نمود. مجازات سازمان‌دهی بزه مزبور نیز بر اساس قانون ۲۰۰۴-۲۰۰۴ به تاریخ ۹ مارس ۲۰۰۴، تا بیست سال حبس جنایی و تا پانصد هزار یورو جزای نقدی تعیین گردید.

۳-۲. حمایت مالی از اقدامات تروریستی

قانون‌گذار بر اساس قانون شماره ۱۰۶۱-۲۰۰۱ در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۱، حمایت مالی از اقدامات تروریستی را نیز بزه تروریستی تلقی نمود. حمایت مالی از اقدام تروریستی در ماده ۲-۴۲۱ قانون جزای فرانسه پیش‌بینی شده است. طبق این ماده قانونی: «حمایت مالی از اقدام تروریستی از طریق فراهم نمودن، جمع‌آوری و یا اداره کردن وجود، اوراق بهادار و یا اموال و نیز راهنمایی کردن در همین راستا با علم به این که تمام یا قسمتی از این وجود، اوراق بهادار یا اموال در جهت ارتکاب یکی از اعمال تروریستی پیش‌بینی شده در این بخش استفاده گردیده و یا اختصاص به استفاده در این زمینه خواهد داشت، صرف‌نظر از تعیین نوع عمل ارتكابی احتمالی، عمل تروریستی محسوب می‌گردد.»^۲

مجازات بزه مزبور نیز بر اساس بیان ماده ۵-۴۲۱، تا ده سال حبس جنحه‌ای و تا ۲۲۵ هزار یورو جزای نقدی تعیین گردیده است. مجازات شروع به جرم بزه فوق نیز بر اساس همان ماده قانون، دارای همان مجازات خواهد بود.

1- N.C.P. art. 421-2-1: "Constitue également un acte de terrorisme le fait de participer à un groupement formé ou à une entente établie en vue de la préparation, caractérisée par un ou plusieurs faits matériels, d'un des actes de terrorisme mentionnés aux articles précédents."

2- N.C.P. art. 421-2-2: "Constitue également un acte de terrorisme le fait de financer une entreprise terroriste en fournissant, en réunissant ou en gérant des fonds, des valeurs ou des biens quelconques ou en donnant des conseils à cette fin, dans l'intention de voir ces fonds, valeurs ou biens utilisés ou en sachant qu'ils sont destinés à être utilisés, en tout ou parite, en vue de commettre l'un quelconque des actes de terrorisme prévus au présent chapitre, indépendamment de la survenance éventuelle d'un tel acte."

۳-۳. عدم توجیه منابع مالی

در سال ۲۰۰۳ قانون‌گذار بر اساس قانون شماره ۲۳۹-۲۰۰۳ مورخ ۱۸ مارس ۲۰۰۳، ماده ۳-۲-۴۲۱ را تهیه و تدوین نمود. ماده قانونی مزبور مقرر می‌دارد: «هر کس با فرد و یا افرادی که به ارتکاب یک یا چند عمل مذکور در مواد ۱-۴۲۱ و ۲-۲-۴۲۱ اقدام نموده‌اند، ارتباط مستمر داشته و قادر نباشد منابع مالی حوزه فعالیت زندگی خود را توجیه نماید، تا هفت سال حبس جنه‌ای و تا صد هزار یورو جزای نقدی مجازات خواهد داشت»^۱.

ماده فوق مثال بارزی برای تمایل حقوق کیفری مدرن در جهت هر چه دورتر شدن از اصول حقوق کیفری است. چنان که پیش از آن بیان شد، محور قرار گرفتن تأمین امنیت ممکن است باعث جابه‌جا شدن برخی از اصول حقوق کیفری گردد. از این رو در این ماده اماره برائت که دارای تضمینات حقوقی متعددی برای متهم می‌باشد، جای خود را به فرض مجرمیت می‌دهد. این فرض مجرمیت محدود به جرائم تروریستی تنها نمی‌باشد بلکه تمایل حقوق کیفری نوین فرانسه آن است که این سیاست کیفری را به بخش مهمی از جرائم سازمان‌یافته نیز منتقل نماید. تمایلات ماهوی مزبور به همراه کاهش تضمینات دادرسی برای متهمین جرائم تروریستی و دیگر جرائم سازمان‌یافته، سبب می‌شود تا چهره حقوق کیفری فرانسه در زمینه مبارزه با جرائم تروریستی، بسیار سخت‌گیرانه ظاهر شود. مقررات سخت‌گیرانه دادرسی جرائم تروریستی در حقوق کیفری فرانسه به مانند مطرح گردیدن آن در دادگاه جنایی اختصاصی متشکل از هفت قاضی حرفه‌ای و بدون هیأت منصفه (ماده ۲۷-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه)، امکان تفتیش و بازرسی در طول شبانه روز (ماده ۲۸-۷۰۶)، امکان تحت نظر قرار دادن تا چهار روز (ماده ۲۹-۷۰۶) و بسیاری از مقررات دیگر در این زمینه سبب می‌گردد تا سیاست جنایی تقنینی ماهوی و شکلی فرانسه در زمینه جرائم تروریستی به عنوان یک سیاست جنایی «امنیت مدار» جلوه‌گر شود؛ سیاست کیفری که در جهت مبارزه با برخی مجرمین و تأمین امنیت و نظم عمومی جامعه و نیز جلوگیری از تشویش‌ها و ارباب‌های عمومی راضی می‌گردد تا با دشمن تلقی کردن افراد بزه‌کار، برخی از اصول پایه حقوق کیفری را به کنار نهد و از حقوق کیفری «شهروندمدار» به دور افتد.

1- N.C.P. art. 421-2-3 : "Le fait de ne pouvoir justifier de ressources correspondant à son train de vie, tout en étant en relations habituelles avec une ou plusieurs personnes se livrant à l'un ou plusieurs des actes visés aux articles 421-1 à 421-2-, est puni de sept ans d'emprisonnement et de 100 000 euros d'amende."

نتیجه‌گیری

جرم‌انگاری جنایت‌ها و جنحه‌های تروریستی در طی تحولات تقنینی فرانسه در این زمینه به نحو قابل توجهی توسعه یافته‌اند. ثمره اصلی این تحولات که از قانون ۱۹۸۶ تاکنون ادامه داشته، ایجاد جرائم مستقل تروریستی - در کنار جرائم تروریستی برگرفته از جرائم عمومی - بوده است. با آن که قانون جزای ۱۹۹۲، از جهت سیاست‌های کلی در این زمینه تحت تأثیر قوانین پیشین قرار داشته اما نقش آن به دلیل ارائه تعریف از جرائم تروریستی و نیز به جهت طرح بزه تروریسم زیست محیطی، بسیار با اهمیت ارزیابی می‌شود.

افزایش جرائم تروریستی در کشورهای اروپایی و نیز فرانسه، سهم عمده‌ای در ایجاد انگیزه در توسعه جرم‌انگاری جرائم تروریستی در سال‌های پس از تصویب قانون ۱۹۹۲ جزایی، در حقوق فرانسه داشته است. ظهور جرائم تروریستی ناشی از اجتماع بزه‌کاران (در ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۶)، حمایت مالی از اقدامات تروریستی (در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۱) و نیز بزه عدم توجیه منابع مالی (در ۱۸ مارس ۲۰۰۳) در حقوق کیفری فرانسه در همین راستا انجام گرفته است.

تصویب مقررات سخت‌گیرانه قانون‌گذار فرانسه در جرم تروریستی تا آن‌جا ادامه یافته که نسبت به افرادی که با مرتکبین جرائم تروریستی دارای روابط مستمر بوده‌اند (موضوع ماده ۲-۲-۴۲۱)، صرف عدم توجیه منابع مالی را - بر خلاف اصل برائت - قابل مجازات اعلام نموده است. از این‌رو چنین می‌توان نتیجه گرفت که به همان میزان که حقوق کیفری فرانسه در دهه‌های اخیر و در زمینه جرایم غیرامنیتی، تحت تأثیر استراتژی عقوبت‌نشینانه حقوق کیفری قرار داشته، در زمینه جرایم امنیتی، استراتژی جرم‌انگاری تهاجمی و توسعه طلب را ترجیح داده است.

منابع

الف - کتابها

1. Azibert (Gilbert), *Code de procédure pénale*, Litec, 17^ééd. Paris, 2005.
2. Bouloc (Bernard) et Yves Mayaud, *Code pénal commenté*, Dalloz, 1^ééd. Paris, 1996.
3. Delmas – Marty (Mireille), *Procédures d' Europe*, PUF, 1^ééd. Paris, 1995.
4. Desportes (Frédéric) et Francis le Gunehec, *Droit pénal général*, Economica, 9^ééd. Paris, 2002.
5. Larguier (Jean), *Droit pénal général*, Dalloz, 5^ééd. Paris, 1995.
6. Larguier (Jean) et Anne – Marie larguier, *Droit pénal spécial*, Dalloz, 8^ééd. 1994.
7. Leclerc (Henri), *Le nouveau code pénal*, Seuil, 3^ééd. Paris, 1994.
8. 8-Mayaud (Yves), *Le terrorisme*, Dalloz, Paris, 1997
9. Mayaud(Yves), *Code pénal commenté*, Dalloz, Paris, 1996.
10. Pelletier (Hervé) et Jean Perfetti, *Code pénal*, Litec, 15^ééd. Paris, 2003.
11. Pradel (Jean) et Michel Danti – Juan, *Manuel de droit pénal spécial*, Cujas, 2^ééd. Paris, 1994.
12. Rassat (Michèl – Laure), *Procédure pénale*, PUF, 2^ééd. Paris, 1990.
13. Veron (Michel), *Droit pénal spécial*, Masson, 6^ééd. Paris, 1998.

ب - مقالات

14. Jeandidier (Wilfrid), *Les juridictions pénales d'exception dans la France contemporaine*, p.a.d.s.c. 1985.
15. Gonnard (Jean – Marie), *Crimes et délits contre les intérêts fondamentaux de la nation*, J.C.P. 1997, Vi, 1197.
16. Marguénnaud (Jean – Pierre), *La qualification pénale des actes de terrorisme*, Rev. sc. Crim. n°1, 1990.
17. Pradel (Jean), *Les infractions de terrorisme nouvel exemple de L'éclatement du droit pénal*, Dr.pén, 1987.
18. Renucci (Jean – François), *L'indemnisation des victimes d'actes de terrorisme*, Dr.pén, 1987.

ژده شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی